



مرز هندوستان

## دروازه های هند

بقلم آقای س. م. رضوی، نماینده محترم وزارت فرهنگ ایران در هندوستان

شمال غربی بود و دروازه اش دره سند تجدد های عصر علم و هاشین طریقش معبر های دریائی است . قوم آریئ بدیهی است وقتی که از گردنه های نعل شکن خیبر به خاک هند سرازیر شدند در سواحل رود سند تمدنی قدیم و اقوامی با فرهنگ یافتند اما افکار وسیع و ظرافت طبع و استعداد اداره و قوت اراده خودشان را با آنها توأم و ترکیب نموده تمدنی بنام هند و آریئ در تمام قطعه هندوستان منتشر ساختند . در حقیقت آریئ ها هند را به تکمیل و توسعه فرهنگ قدیم خود که از تنظیم تربیت فرهنگ های بشریت بشمار میرود واداشتند: مذهب بر عهائی قوت گرفت ، نظام طبقاتی برقرار شد ، فلسفه عمیق هندوئی و ادبیات و هنر های زیبا که بعد خیال ظریف و متنوع بودند باوج کمال رسیدند اداره حکومت و امپراطوری و دربار های متجمل هند مشهور آفاق شد . اساس فرهنگ هند و آریائی بقدری محکم و سازگار با طبیعت هندوستان بود که نفوذ سیاسی ایران هخامنشی در دره سند و تاسیس ساتراپی ایران در آنجا به عنوان اقتدار امپراطوری ایران تأثیر کرد . اما به فرهنگ و فلسفه هندو دخالتی نشد .

آهنگ - ۲۱

هر قطعه از ربع مسکون از نظر تاریخ و تمدن راه های هجوم و نفوذی دیده میشود که میتوان آنها را دروازه های تکامل نامید . شناختن این رخنه ها در قطعات عالم فصلی است مشترک از علم احوال ملل و کشف مسیرهای تمدن و فهم ظهور مذاهب و تشخیص ریشه زبانها و بی بردن به اختلاط نژادها و درک اقسام فلسفه ها . هند ، این قطعه بسیار بزرگ از این حکم طبیعت مستثنی نیست . این قلعه کهن که چهار صد میلیون افراد بشر را در خود جا داده و همیشه بمحدود خود محصور و به حصار خود محدود بوده است بی رخنه و دروازه نمانده و راه هائی برای هجوم جمعیت ها و نفوذ مدنیت ها باز داشته است . شکفتی در این است که این ارض وسیع و این میدان پهناور با آنکه بنظر می آید از گوشه های بی شمار و کرانه های بی دیوار آن راه های بسیاری گشوده باشد در تمام ادوار گذشته و در کلیه اعصار تاریخ جز دو راه بدان باز نشده و جز دو دروازه در حصار آن برقرار نگشته است . تمدن های قدیم و مبانی فلسفه و مذهب و اختلاط های آسیائی هندوستان راهش تنگه های

هخامشی ها نیز از همان دروازه سند به هند وارد شدند و این راه بقدری برای هجوم به هند پیش یا افتاده بود که اسکندر یونانی هم لشکر خود را از همان تنگه ها به هند کشانید. اما یونانی ها طوری در مقابل عظمت ملک هند و قوت فرهنگی هندو مبهوت و مرتوب شدند که رجال مقدونی و سران سپاه یونان اسکندر را وادار کردند که از همان منزل اول برگردد.

قرنها گذشت هند از هجوم معاف بود و از آن در کسی وارد نشد. هند بخود مشغول بود و ایران با روم زد و خورد میکرد. ضعف سیاسی بر هر دو مسلط گردید. تا آنکه در صحرای حجاز دور از تمدن های متجمل و فارغ از آلودگی های جاه و جلال نهضتی شروع شد و در مقابل امتیازات طبقاتی و تفاوت های صنفی فلسفه ساده و نافذی بجهان اعلام گردید که مردم همه برادرانند بشرط آنکه مملمان باشند و اسلام است که بایستی عالمگیر باشد. عرب بر ایران مسلط شد. ایرانی ها از عرب جلو افتاده محمود غزنوی از دروازه سند بر هند تاخت و از آن پس توجه علمداران اسلام قطع نشد تا آنکه امپراطوری مغول تشکیل یافت. اما مسلمانان انطوریکه منظور مؤسین بود در هند شیوع نیابت و باوجود قدرت امپراطوران، سه ربع مردم هند به فلسفه قدیم و عقاید و آداب خود باقی ماندند و میشود گفت نه صد سال است که احساسات اجتماعی صاحبان دو فلسفه در هند ایجاد شده و هنوز دوام دارد. بهر تقدیر آخرین فرهنگ و تمدنی که از راه خیبر و دره سند به هندوستان نفوذ کرد تمدن اسلامی بود و آن هم مکمل با فرهنگ ایرانی به هند رسید.

بعد از فتوحات اسلامی دیگر چیزهای تازه ای از دروازه شمال غربی باین قطعه داخل نشده زیرا

در مشرق و مشرقیان چیز تازه ای رخ نداد و روی ترقی بشری به غرب برگشت و اروپائی ها افکار جدید و سیاست نو ظهوری را بطرف شرق متوجه ساختند. عظمت هند، نعمت هند، وسعت و ظرفیت هند عواملی بود که اقوام تازه بیدار اروپا را به نزدیک شدن بآن برانگیخت. همینکه بآن نزدیک شدند اقامت در آنرا مصمم گشتند. پس نفوذ فرهنگ اروپائی و ظهور تمدن غربی امر جدیدی است که از دستگاه طبیعت بشر صادر و کشور و جامعه هندوستان را فرا گرفت. به بینیم این تحول چگونه صورت یافت و از چه طریق وارد این سرزمین شد. بطور کلی تمدن جدید از راه دریا به هند رخنه کرد همان دریاها که تا چند قرن پیش برای هند حصار بود و هیچ پائی از آن راه باین خاک تجاوز نمی توانست بکند یک دفعه شکافته شد و امنیت ازلی هند را متزلزل ساخت بحر پیمایان مشهور سر بخطار سپرده و به عشق هند بادبان افراشتند یرتغالی ها، هلندیها، فرانسویها، یکی بعد از دیگری بخیال خود مرکب آرزو را سوار شدند و سواحل هند را لشکرگاه غراب های خود ساختند. از آب به خشکی و از کشتی ها به قلعه ها پرداختند و هر کدام ملک مات خویش را نوید سلطه و امپراطوری هند می دادند اما سرنوشت تجده هندوستان بدست قوم دیگری مقدر بود و با جریانی که تاریخها ضبط کرده اند بالاخره انگلیسان با هند آشنا شده و سایر خوش نشینان را مرخص کردند. این قوم به اداره هندوستان دست زدند و اوایت پا را در خاک، بشکال محکم گذاشتند وقتی به جریان امر اداره هندوستان در ظرف دو بست و پنجاه سال واقف شویم می بینیم که تمدن هاشینی عصر حاضر و فرهنگ اروپائی که مبنای تفکر را بر علم گذاشته است به راهنمایی

و کمک انگلیسان با تدریج و متناسب با استعداد قبول ملل هند از راه بنگال به تمام این قطعه وسیع منتشر گردید پس درست است که بنگال را دروازه تمدن جدید و فرهنگ عصر ماشین بدانیم .

علل طبیعی که گردنه خیبر و دره سند راه منحصر هجوهها و نفوذهای آریائی و اسلامی قرار گرفت و از قرنهای قبل از تاریخ تا هنجاوز از دو قرن پیش که نادر شاه افشار آخرین استفاده را از آن راه و رخنه کرد همان مسئله اتصال آبادی است که در اصطلاح « سهوات سوق الجیش » میگویند و برای ورود به هند از راه خشکی مناسب تر از آن طریقی نیست و هر کس راه دیگری اختیار کرده است خود را بخطر انداخته چنانکه اسکندر در مراجعت از هند این خط را کرد و از راه جنوب بلوچستان و کرمان جمعیت خود را دوچار مرگ و زوال ساخت .

اما بنگال در مشرق هند برای ورود قسمتی از اقوام خارج راهی بی نظیر و موقعیتی مساعد است . هوش انگلیسان بحر پیما و تجارت بیشه این موقعیت را تشخیص داد . بنگال برای زراعت و صناعت و حمل و نقل در هندوستان ممتاز است . شط عظیمی که بنام « هوگلی » به خلیج بنگال میریزد دستجات کشتی ها را از جنگی و تجارتی تا هشتاد میل بدرون ایالت راه می دهد و اینجا است که بندر کلکته و قلعه معروف و پیام ساخته شده است . رودخانه های دیگر بنگال مثل پنجه در خاک منشعب و جانشین شبکه ای از خط آهن مییابد و مهمتر آنکه سیر کشتی های شطی و حمل انتقال در روی آب گنگ تا پانصد میل بعد از کلکته بداخل قاره هند مهیا است . بالجمعه همان است که گفته اند « خدایان کارها را با اسباب بعمل می آورند » این خطه بنگال است که

اسباب تجدید صورت و بسط علم و صناعت در هند گردید و از روزیکه این اسباب را طبیعت بدست معماران تجدد هند سپرد دو بیست و پنجاه سال گذشته . آن روز محل کلکته در بنگال عبارت بود از چند دهکده گلین بر ساحل خاکی شط هوگلی . امروز شهری است دارای دو ملیون و نیم جمعیت که از تمام وسایل مدنیّت جدید بهره مند هستند .

از امروز این دروازه به نگهبانی افراد با حوصله انگلیسی سپرده شد و دیگر کسی به آن راه نیافت . نگهبانان در ظرف صد و شصت سال با تدریج و تکامل تمایلی اقلیم هند را تحت اداره و انضباط آوردند . هشتاد و چند سال است که این کشور پهناور سر تا سر بر راه ترقی افتاده و مهد تمدن های کهن شرقی با تجدد های غرب برآق شده و قوای بخار و برق راه های اتو بیل و خط های آهن ، و وسایل صحی از لوله آب و مجاری زیر آب ، کارخانها و صناعت هاشینی در تمام خاک هند برقرار است . عوامل تعلیم و تربیت بسط و تعمیم یافته میلیونها فارغ از تحصیل و شاعل خدمات عمومی هستند . تمام این دستگاه عجیب که چرخ زندگی چهار صد میلیون نفوس را می گرداند در بر تو امنیت عمومی که نتیجه حراست پلیس است بکار خود مسلط است .

هند هر چند زبانهای متعدد ، مذاهب متفاوت و عادات مختلف دارد و تصور میشود که قطعه قطعه و مشتت است اما با مدنیّت اکتسابی قرن اخیر که توأم با اصالت باستانی ملل هند شده است در حقیقت یک واحد بیش نیست و یک جامعه تشکیل می دهد که از جهات بسیاری معنأ و مادئاً بهم مربوط و جدا شدنی نیستند و امروز این اقلیم قلعه محکمی است که حصار و دروازه های آن باقشون متحد و منظمی که دارد از هر تجاوزی مصون است .